

فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی

Human Sciences Research Journal

دوره جدید، شماره ۲۵، زمستان ۱۳۹۸، صص ۲۸۳-۲۹۵ New Period, No 25, 2020, P 283-295

ISSN (2476-7018)

شماره شاپا (۲۴۷۶-۷۰۱۸)

نقش فرهنگ در بلوغ فکری با شناخت مفاهیم

کاظم رحیمی

کارشناس ارشد مدیریت اجرایی (گرایش استراتژیک)

معاون سیاسی امنیتی اجتماعی فرمانداری شهرستان پارسیان، ایران

چکیده

نوآوری‌ها و مبارزه برای ماندگاری و تطبیق با شرایط جدید باورداشت‌ها ورزش‌های جدید را موجب می‌شود و شکاف‌های نسلی پدید می‌آورد و نوعی زمینه تعارض فرهنگی بین نسل‌ها در یک جامعه شکل می‌گیرد تعارض بین ارزش‌های سنتی و مدرن پیوندهای اجتماعی را تضعیف کرده و تضعیف ارزش‌های فرهنگی و کاهش پیوندهای اجتماعی موجب فروپاشی بخشی از جوامع می‌شود با انجام مطالعات کتابخانه و شناخت مفاهیم پایه می‌شود با انجام مطالعات کتابخانه‌ای و شناخت مفاهیم پایه نقش فرهنگ را در بینش و فکری جامعه در این حوزه دریابیم.

واژه‌های کلیدی: فرهنگ، بلوغ فکری، جامعه، مفاهیم فرهنگی

مقدمه

برای بسیاری از مدیران اجرایی کشور این سوال مطرح بوده است که چرا تئوری‌های غربی در ایران به گونه‌ای که در خود غرب کار می‌کنند عملی نمی‌شود با وجود این همه شکست‌های پی در پی تئوری‌های در عمل هنوز دانشگاه بر این اعتقاد خود اصرار می‌ورزد که هیچ چیزی عملی‌تر از یک تئوری خوب نیست مدیران اجرایی را به تئوری‌های هراسی و عمل پرستی سوق داده است و اینکه عده‌ای به این باور زمینه رسیدن که هیچ خطرناک‌تر از یک تئوری بد نیست و دیگر نیز با تاسی به دکارت برای فهم عامه اسالت قائلند و معتقدند که طوری یک زبان فنی غیرضروری آکادمیک و پدیده زشت است که در دنیای عمل نیاز به آن نیز این سه رویکرد و خوب بد و زشت به تئوری همچنان در کنار هم به بقای خود ادامه می‌دهند و طرفداران هر کدام از باور خود دفاع و باور مقابل را نفی می‌کنند مسئله اساسی مدنظر این مقاله پیچیده‌تر از پیش‌بینی‌های طوری جزئی و محدود است چرا مدیران اجرایی نمی‌توانند این پیش‌بینی‌ها را باور کنند و بالاتر از آن بین مدیران که نمی‌تواند قدرت پیش‌بینی تئوری‌های جزئی و خاص را باور کنند می‌توانند جمله زیر را باور کنند.

ایران کشوری توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی علمی و فناوری در سطح منطقه با هویت اسلامی و انقلابی الهام بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و موثر در روابط بین‌الملل.

این چشم‌انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران است مسلماً کسی می‌تواند چنین چشم‌انداز و دورنمای مطلوبی را باور کند که در یک فرهنگ آینده نگر پرورش یافته باشد و دارای عزت نفس بالا احساس کفایت از خود بالا و دارای کانون کنترل درونی باشد مقاله چشم‌انداز ساختار فرض می‌شود که آینده نگر است و قصد دارد کنش‌های ملت ایران را در افق زمانی ۲۰ ساله جهت بدهد آگاهی از همین ویژگی‌های چشم‌انداز از نظر خواننده مفروض گرفته می‌شود این مقاله به طرح مسئله می‌پردازد و چگونگی عملی کردن راهکارهای پیشنهادی را به تحقیقات واگذار می‌کند.

چشم‌انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران ترسیم دورنما و مطلوب کشور در ۲۰ سال آینده از طریق تصویرپردازی از آینده می‌خواهد تلاش‌های همگان را در جهت تحقق آن بسیج کند بی‌گمان این چشم‌انداز در خلاء شکل نخواهد گرفت و باید توسط مردم کشور تحقق پیدا کند یعنی قدرت اراده مردم و قدرت فرآیندها و روش‌ها در کنار قدرت چشم‌انداز این تحقق قطعیت و حتمیت می‌بخشد در این مقاله تاکید بر قدرت اراده خواهد بود و در قالب شخصیت و فرهنگ به تحلیل آن پرداخت خواهد شد.

فرهنگ ایران به لحاظ واحد زمانی گذشته نگر است بعضی از فرهنگ‌ها تاکید بر گذشته بعضی تاکید بر حال و بعضی تاکید بر آینده دارند فرهنگ گذاشته نگر تاکید بر سنت‌ها و رعایت الزامات اجتماعی دارد تحقیقات در مورد کشورهای آسیایی همچون، هنگ کنگ، ژاپن، کره و تایوان نشان داده است که رابطه بسیار قوی بین گرایش بلندمدت آینده نگر و رشد اقتصادی کشور وجود دارد به نظر می‌آید چشم‌انداز

به عنوان ساختاری که می‌خواهد که با یک کشور را در ۲۰ سال آینده جهت با فرهنگ آینده‌نگر تناسب بیشتری دارد ملتی که صرف مغرور و مفتخر به فرهنگ گذشته خود باشد و البته خود را نسازد مجبور از هر روز فرهنگ گذشته خود را آنچنان که دلش می‌خواهد بازسازی کند و این کاربرهایی ندارد. بدون تردید یکی از وظایف اصلی رهبران در هر جامعه‌ای تخریب ایجاد و تقویت فرهنگ است از این رو باید مداخله فرهنگ صورت گیرد و فرهنگ گذشته نگر تخریب و فرهنگ آینده‌نگر ایجاد و به طور مرتب در ساختارها و فرآیندها و کنش‌های تقویت شود نباید از نظر دور داشت که فرهنگ از ایرسی بالایی برخوردار است و در جدال با ساختار معمولاً پیروز میدان است گورستان حاکمان مملو از آنهایی است که با تکیه بر اطمینان بیش از حد ملزومات ساختاری فرهنگی ملت‌ها را نادیده گرفتند.

تعریف فرهنگ:

فرهنگ کلمه‌ای فارسی بوده و از دو جزء فر به معنای شکوه و عظمت و هنگ از ریشه اوستایی سنگ به معنای کشیدن، سنگینی و وقار است این کلمه مرتب به معنای بیرون کشیدن و بیرون آوردن است. از نظر اصطلاحی به اعتقاد گروهی از جامعه‌شناسان تهاجم فرهنگی عبارت است: از تفکر جمعی جامعه که در پدیده‌ها و رفتارهای اجتماعی تجلی می‌یابد و تمامی امور اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، نظامی، مادی و معنوی را متأثر می‌سازد.

تایلور در کتاب زمینه فرهنگ، فرهنگ را اینگونه تعریف می‌کند: فرهنگ مجموعه پیچیده‌ای است شامل معارف، معتقدات، هنرها، صنایع فنون، اخلاق، قوانین، سنن و بلاخره تمام عادات و رفتار و ضوابطی که فرد به عنوان جامعه و وظایف و تعهداتی را بر عهده دارد. مقام معظم رهبری در تعریفی که از فرهنگ ارائه نموده است، معتقد است فرهنگ هر جامعه و ملتی و هر انقلابی به مجموعه دستاوردهای ذهنی در آن جامعه که شامل دانش، اخلاق، سنن، آداب و چیزهایی که از اینها سرچشمه می‌گیرد گفته می‌شود.

شناخت مفاهیم تاثیرگذار در حوزه فرهنگ:

۱- مفاهیم پایه

۲- مفهوم تاثیرگذار در حوزه بینش‌ها و رویکردها

۱- مفاهیم پایه

حوزه‌های فرهنگی

مطالعات و تحقیقات انسان‌شناسی فرهنگی نشان داده است که مجموعه‌ای از عناصر فرهنگی میان بسیاری از جوامع مشترک است و این مجموعه فرهنگی با دیگر مجموعه‌ها دارای وجه تمایز نیز هستند به عبارت دیگر بعضی از اقوام و جوامع که در نزدیکی هم زندگی کردند به تدریج از مجموعه عناصر فرهنگی واحد برخوردارند که عموماً از کانون فرهنگی مشترک شاهد یافته است و این مجموعه را حوزه فرهنگی نام نهاده‌اند.

حوزه‌های فرهنگی متفاوتی بر روی کره زمین شناسایی و دسته‌بندی شده است برای مثال کشورهای مسلمان‌نشین از مجموعه عناصر فرهنگی مشترک برخوردارند که قانونی اشتراک دین مبین اسلام می‌باشد و حوزه فرهنگی کشورهای اسلامی را تشکیل می‌دهد این حوزه فرهنگی با حوزه فرهنگی آمریکای شمالی، آمریکای جنوبی و یا دیگر مناطق کره زمین تمایل ذاتی دارد که موجب تفاوت در الگوهای شناختی و رفتاری و شخصیت فردی و اجتماعی انسان‌ها می‌شود به گونه‌ای که در طول تاریخ شاهد مرزبندی و جبهه‌گیری حوزه‌های مختلف فرهنگی جهان در مقابل یکدیگر بوده‌ایم.

هنجارسازی

هنجارها و قواعد و الگوی عمل در هر اجتماع وجود دارد و رفتار افراد جامعه توسط هنجارهای اجتماعی روشن‌مند شده نظارت می‌شود رابطه بین بزرگسالان و دیگران رابطه بین زن و مرد و نمونه‌های آن توسط انجمن‌های اجتماعی نظارت می‌شود و این هنجارها موجود به تثبیت و القای ساختارهای اجتماعی می‌شوند تفاوت بین جوامع در شیوه‌های ویژه و انتخاب راه و روش‌ها و هنجارهای است که روابط اجتماعی را مشخص می‌سازد.

شرط ضروری ماندگاری و بقای جوامع وجود هنجارهای مناسبی که در نگهداشت ساختار اجتماعی نقش مهمی دارد را و روش حفظ جامعه در مقابله با تهدیدها و خطرات مختلف از طریق هنجارسازی هر اجتماع مشخص می‌شود و اگر در این مورد کوتاهی کرده باشد و بقای خود را به خطر انداخته است.

اصل کنش و واکنش

همانگونه که در جهان هستی هر عملی عکس‌العملی را داراست در اجتماعات انسانی نیز فرهنگ به ما می‌آموزد که در مقابل هر رویداد یا واقعه چگونه واکنش نشان دهیم برای نمونه می‌آموزیم که در مقابل حشرات گزنده و حیوانات درنده چه واکنشی نشان دهیم و با حیوانات علی چگونه رفتار کنیم گوناگونی

فرهنگی جوامع موجب می‌شود واکنش در زمینه‌های فرهنگی در مقابل باشد چه بسا حیوان اهلی که برای بخش بزرگی از مردم جهان منبع غذایی محسوب می‌شود برای گروه دیگر قابل پرستش است. شیوه‌های اندیشیدن باورها و ارزش‌ها در ساختار و فرهنگ موجب پدید آمدن تفسیرها به واکنش‌های مختلفی شده و قواعد رفتاری جدایی چگونگی می‌شود برای کودک خردسالی که آموزش ندیده یا به سن مناسب نرسیده است یک مار زهرآگین خطرناک ممکن است موجب تحریک کنجکاوی شده و بدون درنگ به آن نزدیک شود و برای کودک در همان سن و سال در یک منطقه گرمسیر آفریقایی مار زنگی می‌تواند یک همدم و همبازی کودکانه باشد فرهنگ هر جامعه به افراد می‌آموزد چه چیز دشمن یا دوست خوب باید با ارزش و بی‌ارزش است و موجب واکنش‌های متفاوت نیز می‌شود.

اصل یادگیری و آموختن

رفتار در حیوانات بر اساس گزینه صورت می‌گیرد اما بخش بزرگی از رفتار بشر از طریق اقتصاد و آموزش به دست می‌آید آموختن و یادگیری برای بقا در اکثر جانوران وجود دارد اما هیچ جاننداری به اندازه انسان توان یادگیری گسترده ندارد انسان‌ها در جامعه رفتارها را می‌آموزند و فرهنگ نظام فکری و رفتار جامعه را در طول یک دوره زمانی طولانی به افراد آموزش می‌دهد رفتارهای اقتصادی انسان‌ها متأثر از شرایط زیستی و فیزیولوژیکی آنهاست نیاز به آب و غذا مسکن به گونه‌ای فطری تامین می‌شود و امکان بقا در ادامه‌های گوناگون را فراهم می‌آورد اما انسان به سرعت تجربه‌ها را سامان بخشید و به صورت یک الگوی شناخته و رفتار به دیگر افراد جامعه و نسل بعد منتقل می‌سازد تا به عنوان یک الگوی ماندگار و مورد استفاده قرار گیرد برای مثال قرار گرفتن انسان در موقعیت گرسنگی و نیاز به غذا به عنوان یک وضعیت فیزیولوژیک به صورت غریزی یا به گونه‌ای فطری انسان را وادار به تامین غذا می‌کند و با توجه به شرایط محیطی طبیعی شیوه تامین غذا به صورتی که تجربه زیستی و رفتاری تبدیل شده و دیگر اعضای جامعه ایران است بعد به صورت ساده آموزش داده می‌شود اگر انسان در یک موقعیت خطرناکی قرار گیرد برای مثال تهدید یک حیوان درنده و یا تهدید سیل و طوفان در آنجا تبدیل به یک الگوی شناختی و رفتاری شده و به عنوان یک الگوی ماندگاری و بقاء رابه دیگران انتقال داده می‌شود.

ساختارهای شناختی

الگوها و ساختارهای ذهنی و فطری بشر موجب شده است که میان انسان‌ها و حیوانات وجوه تمایز پدید آید بشر از طریق ساختارهای ذهنی جهان هستی را می‌شناسد و روابط خود با جهان هستی و همچنین رابطه بین خود و دیگران را تبیین می‌کند جامعه بشری شامل افراد زیادی است که پیوند اجتماعی یافته‌اند و تحت تاثیر اندیشه‌های متمایز واکنش‌های عاطفی و رفتارهای مختلف به شرایط پیرامونشان دارند منش ملی

نمونه‌ای است از ساختار ذهنی افراد جامعه چگونه شخصیت جمعی و ساختار شخصیتی پدید می‌آورد که می‌تواند در مقابل تهدیدات و خطرات ایستادگی یا عدم ایستادگی از خود نشان دهد. بدین ترتیب افراد هر جامعه موجب پدید آمدن ساختارهای ذهنی شده و شخصیت جمعی واحدهای پدید می‌آورد که آرمان‌های فرهنگی مشترک داشته و رفتارهای واحدی در مقابل پدیده‌های خارجی از خود نشان می‌دهند پرخاشگری قومی، فزون خواهی یا صلح و خویشن داری شخصیت جمعیت اقوام و جوامع مختلف است که به تدریج از طریق ساختارهای شناختی پدید آمده است.

اصل انگیزش

کلید موفقیت انسان‌ها و جوامع انسانی و رقابت بین آنها و تنوع فرهنگی انگیزه‌های بشر بوده است فرهنگ جوامع در ایجاد انگیزه فردی و جمعی نقش موثر و مهمی را به عهده دارد اما این رابطه دو سویه است به نحوی که انگیزه‌ها نیز موجب تحولات فرهنگی شده است همانگونه که بشر برای حرکت کردن و غذای کسب انرژی نیاز دارد برای فعالیت‌های اجتماعی نیز به انگیزه نیاز دارد و انگیزه انرژی لازم برای حرکت انسان را فراهم می‌آورد فصل انگیزش تاکید دارد بر توجه به ایجاد انگیزه و لزوم داشتن انگیزه خوبی برای هر جامعه و این مهم انرژی حرکتی جامعه را برای دستیابی به اهداف عالی فراهم می‌کند.

باورها و اعتقادات دینی

باورهای مذهبی اسطوره‌ها و مراسم دینی پدیده انسانی است که موجب می‌شود انسان‌ها از طریق ایمان مذهبی به یکدیگر و جهان متصل شوند به نوعی یک الگو برای زندگی بهتر و پایداری و بقای بیشتر فراهم می‌سازد انسان‌شناسان دین به عنوان سیستمی از اعتقاد به خدا به نیروهای فراطبیعی نهادها و مناسک تعریف می‌کنند که الگوی معنی دار برای من قابل فهم کردن زندگی پدید می‌آورد.

دین جاذبه عاطفی نیرومند و مشترک بین انسان‌ها و جوامع وجود می‌آورد که موجب پایداری و بقای بیشتر می‌شود تقویت همبستگی عمومی افزایش درک انسانی تحمل و تعامل بیشتر با دیگران جلوگیری از رقابت‌های غیرمنصفانه شیوه بهتری زندگی و تقویت روح و اخلاق جمعی و انگیزه ایستادگی و تلاش برای دستیابی به این هدف از نتایج دین باوری در جوامع است.

گسترش بی‌دینی در جهان در قرون اخیر به کمک و وسایل و ابزارهای رسانی موجب کاهش ارزش‌های مشترک بین افراد و جهانی شده و در نتیجه موجب افزایش درگیری‌های فردی و جوامع شده و در نتیجه موجب افزایش درگیری‌های فردی و کشمکش‌های جمع شده و حیات اجتماعی افراد و جوامع را به خطر کاهش بقا مواجه ساخته است افزایش باورها و اعتقادات دینی مشترک در این جامعه و در بین جوامع دنیا

موجب توازن اجتماعی اقتصادی سیاسی و فرهنگی شده و برعکس آن کاهش باورها و اعتقادات دینی سیر نزولی همبستگی انسان را طی می کند و افراد و جوانان در خطر کشمکش و نزاع بیشتر قرار می گیرند.

اخلاق انسانی

در جوامع سنتی زندگی مردم بر اساس روابط مبادله گرم و عاطفی صورت می پذیرفت و کسانی دارای ذخایر ارزشمند اخلاق و فضای شخصی ارزشمند بودند در مبادلات اجتماعی رفتارهای دگرخواهانه و ایتارگران را دنبال می کردند در جوامع جدید نوع روابط مبادله ای از طریق احساس مسئولیت آگاهانه و خردمندانه صورت می پذیرد و از طریق روابط اجتماعی انجمنی به افزایش دقت و تعهد افراد صورت می گیرد و برابری انسانها به اندازه های قانونی و اخلاقی و تکلیف شناسی در جوامع جدید بیشتر رنگ ارزشی دارند اخلاق ارزش هایی که در حوزه اجتماعی و فرهنگی جامعه وجود دارد بیشتر پایدار و مقاومت و گسترش آنها در روابط اجتماعی باعث افزایش و گروه های اجتماعی می شود برای انسان عزت و تعهد، معرفت، دوستی، اعتماد و صداقت ماندگاری جمع را افزایش می دهد و همچنین اهداف جمعی و علائق مشترک موجب تعاملات اقتداری جاذب در محیط اجتماعی می گردد.

۲- مفاهیم تاثیر گذار در حوزه بینش ها و رویکردها

اصل استواری و تداوم

فرهنگ جوامع به انسانها می آموزد در شیوه های گوناگون زندگی چطور با نیروهای ناهمگون طبیعی یا غیرطبیعی روبرو شوند و واکنش آنها چگونه باشد این اصول و شیوه های به صورت معمول استوار و تداوم دارد و تغییر در آنها به کندی صورت می گیرد و در درازمدت موجب می شود که فرهنگ بومی ثابت و بدون تغییر دیده شود اگر تغییرات فرهنگی سرعت داشته باشد و شیوه های زندگی و روش ها و باورها و ارزش ها و به سرعت تغییر کند اصلی استواری و تداوم خدشه دار شده و انسان را دچار سردرگمی و ضربه فرهنگی می کند همچنین اگر شرایط زندگی معمول در اثر حادثه مانند طوفان و زلزله از این تغییر کند ناگهان شیوه های زندگی افراد جامعه دچار مشکل شده و در الگوی شناختی و رفتارهای اقتصادی شده راه و روش جدید برای مقابله بر مصیبت وارده وجود ندارد و افراد جامعه گرفتار فشار روانی و از هم گسیختگی می شوند لذا اصل استواری و تداوم فرهنگ ایجاب کند در الگوهای شناختی و رفتارهای جامعه آمادگی پاسخگویی و شیوه ی زندگی در شرایط بحران و مقابله با حوادث نیز آموزش و انتقال اقامت در شرایط ناخواسته و مصیبت وارد توانایی ماندگاری در محیط زیستی وجود داشته باشد

اصل رقابت

در جهان طبیعی زیستی جغرافیایی و انسانی منابع محدودند و فراگرد تأمین منابع سخت و پیچیده و هزینه‌بر است لذا همواره در میان انواع جانداران تلاش در استفاده بیشتر از منابع محیط طبیعی و امکانات زیستی وجود دارد که موجب رقابت گسترده می‌شود.

ابزارسازی

در طول تاریخ دوران زندگی انسان ابزارسازی آدم موجب پدید آمدن موقعیت‌ها و فرصت‌های بزرگ در زندگی وی شده است این ابزار سازی با تیر و کمان و سفالگری شروع و تا پیشرفته‌ترین ابزارهای گوناگون امروز ادامه یافته و هر یک از سطوح فناوری موجب پدید آمدن و نمادهای فرهنگی و ساختارهای جدید شده است آنچه اهمیت دارد این است که ابزار سازی انسان در هر سطح و دوره موجب پدید آمدن ساختار اجتماعی جدی شده و هماهنگی نزدیک‌بین توانایی فناوری‌های نوین با فرهنگ و سازمان اجتماعی وجود دارد.

اصل کاهش و وابستگی‌ها

همگرایی روزافزون فرهنگ‌های جهان در بکارگیری فراورده‌های نوین صنعتی به شیوه تولید انبوه جوامع پیشرفته و رهبری اقتصادی آن کشورها و تجارت جهانی و انحصاری بودن اقتصاد سرمایه‌داری بین‌المللی و شکل دادن به نظام جهانی و تقسیم کار سراسری به ایجاد رابطه متروپل به کشورها صادرات فراوان و... موجب وابستگی متقابل کشورها شده است و در این نوع وابستگی کشورهای در حال پیشرفت اقتصاد را خواهند داشت توانایی کشورهای نیرومند در کنترل و اداره کردن منابع و بازارهای جهان به نفع خود و گسترش سلطه سرمایه‌داری بین‌المللی بر اقتصاد داخلی کشورها و امتیاز دسترسی کشورهای ثروتمند به مواد خام کمی به کشورهای جهان سوم صدور علم و فناوری نامناسب تحمیل محصولات کشورهای صنعتی به بازارهای آسیب‌پذیر کشورهای در حال پیشرفت انتقال نظام‌های آموزشی نامناسب دامپینگ محصولات ارزان در بازارهای تحت کنترل سیاست‌های وزارت تجارت بین‌المللی دامن زدن به مصرف هر چه بیشتر و عدم ثبات و مبادلات جهانی و نیاز شدید کشورهای توسعه نیافته بود کمک‌های مالی و وام‌های خود از اثرات نامساعد بین‌المللی این نوع وابستگی است این دگرگونی‌های عصر جدید جوامع در حال توسعه یا توسعه یافته را به خطر نابودی و رکود عظیم حال روبرو کرده و در اثر گذشت زمان جریان منفی رشد موجب نابودی آنها می‌شود.

از خود بیگانگی اجتماعی و سیاسی و نظام اقتصادی

انسان‌ها بیشترین توفیق در گروه‌های اجتماعی را وقتی به دست می‌آورند که مسائل ایشان را از طریق همکاری و کنش متقابل حل کنند اگر چه ممکن است اعضای یک جامعه به لحاظ دین زبان یا پیشوند و قومیت از یکدیگر متمایز باشند اما موفقیت مشترک در یک نظام اجتماعی و سیاسی به ساختار فراگیر آن می‌تواند مشارکت همه را در بر داشته باشد.

همه جوامع بشری با دوام گروه‌های کوچکتر تشکیل شده هم خانواده‌ها دودمان‌ها اعضا به اتحادیه‌ها فراگرد تقسیم کار اجتماعی اشتراک جمعی اعضا را حفظ می‌کند.

اگر بخش‌های بزرگی از جامعه در مقایسه با دیگر اعضای همان جامعه دچار محرومیت شوند فراگرد قشربندی و نابرابری اجتماعی شکل می‌گیرد و محروم شدن از امتیازهای اجتماعی در یک دوره طولانی نوعی در مشارکت اجتماعی و از خودبیگانگی را موجود می‌شود که می‌تواند بر انسجام جامعه اثر گذارد.

برحسب ساده‌ترین تعریف اقتصاد نحوه به کارگیری منابع کمیاب برای پاسخگویی به نیازهای گسترده وسیله ای برای تطبیق انسان و محیط و نظام اقتصادی یک جامعه را مجموعه افکار و نهادها تعریف کردن که انسان از آن سود می‌جویند و رفتارهایی انجام می‌دهند تا منابعی برای برآوردن نیازها و خواسته‌های شان فراهم کنند اما بنیاد یک نظام اقتصادی عبارت است از افکار الگوهای رفتار و نهادها و وظایف مشخص اگر هریک از انسان‌ها منافع جداگانه خود را دنبال کنند و مجبور به انجام آنها کم می‌شود اما داشتن نظام الگوهای ساماندهی شده و عمل معقول آن مبتنی بر منظر تجمع می‌تواند پاسخگوی نیاز همگان باشد.

حفاظت از یک سرزمین نخستین گام برای حزب و دسترسی برای منابع به شمار می‌رود و تسلط افراد گروه آيا کشورها بر منابع به توانایی‌ها و حقوق را ایجاد می‌کند که دیگران از آن بی‌بهره‌اند و همچنین تولید محصولات کشاورزی و صنعتی و داشتن سازمان مناسب تولید و تمهیدات فنی تولید و مبادله تولیدات توانایی فکری و فرهنگی یک جامعه برای پاسخ به نیازهای مردم نشان می‌دهد موجب استقلال به سادگی می‌شود اما مصرف بی‌رویه مصرف انبوه که متکی به تولید داخلی نیز نباشند از جمله نقاط ضعف رهای در حال توسعه در عصر جدید است در طول تاریخ مبارزه اقتصادی بین جوامع گوناگون صورت گرفته است جنگ به نظر برسد دسترسی به منابع و معادله از طریق به دست آوردن امتیازات بیشتر و تجارت برای به دست آوردن منافع با مصرفی کردن جوامع جهان سوم به حد کمال رسید و جامعه نظام اقتصادی آنها توان سازماندهی تولید و کنترل مصرف را ندارد و صرفاً از طریق فروش منابع اساسی آن با مبادله تک محصولی به تدریس سرمایه داخلی را از دست می‌دهد در مسیر مصرف شدن روزه‌روز وابستگی آنها به دیگر کشورها افزوده می‌شود.

سازماندهی انرژی

جوامع بشری با کاربرد روش‌های مختلف معیشت کار الگوهای تنظیم می‌کنند که در این الگوها به تعیین نیازهای حیاتی برای زندگی پیش‌بینی شده است و سبک زندگی آنها را فراهم می‌آورد. شکار و تهیه غذا کشاورزی دامپروری و تولید صنعتی از جمله الگوهای تنظیم شده‌اند که در طول سالیان دراز بشر برای تعیین نیازهای حیاتی خود به کار گرفته است همکاری میان افراد جوامع برای انجام این عنوان نیازمند مشترکات محیطی ارزشی و اعتقادی انرژی لازم برای بقا و حیات انسان را فراهم می‌کند اما به دست آوردن انرژی از این الگوهای خود نیازمند مصرف انرژی می‌باشد از بایستی رابطه متعادلی بین مصرف انرژی برای کسب انرژی بدن وجود داشته باشد و به قول امروزی‌ها به دست آوردن انرژی به صرفه باشد پس در هر جامعه بایست نوعی سازماندهی انرژی وجود داشته باشد و همواره این سوال مطرح است که برای به دست آمدن میزان معینی از انرژی چه اندازه از انرژی قبلی مصرف شده است و هرچه انرژی کمتری در تولید و کسب انرژی بعدی مصرف شده باشد این الگو و فعالیت به صرفه‌تر بوده است.

الگوهای تولید و مصرف

بقا هر جمعه به شیوه تولید و مصرف آن بستگی دارد و تمهیدهایی که افراد برای تداوم و تولید و پاسخ به نیازهای گوناگون خود اتخاذ می‌کنند حیاتی‌ترین امر در بقای شان است هر جامعه به گونه معینی منطبق بر محیط‌زیست خود تأمین مایحتاج ضروری مردم را به عهده دارد استفاده از منابع موجود و پیش‌بینی منابع حیاتی به میزان مورد نیاز متکی به محاسبه حداقلی از مصرف منظم افراد جامعه و میزان تولید و تأمین منابع است روز تأمین آب و غذای انرژی در اکثر سرزمین‌ها با محدودیت‌های روز افزون روبه رو است و افزایش جمعیت شهرنشین و جانشین تأمین منابع و انتقال آن به محل زندگی افراد و در دسترس قرار دادن آنها را هزینه کرده است اگر جوامع از الگوی تولید و مصرف متعادل برخوردار نباشند امکان برخوردار آنها کاهش می‌یابد توانایی در شناخت منابع و دانش بهره‌گیری از منابع و نظام توزیع و مصرف متعادل امری حیاتی در جوامع بشری است و بسیاری از درگیری‌ها و تنش‌های بین دولت و جامعه دلیل بهره‌گیری از منابع و سهم‌خواهی بیشتر از منابع کره‌زمین است و با محدودیت‌های روز افزون و قرون اخیر این درگیری‌ها بیشتر خواهد شد از سوی دیگر لازم است جوامع برای تطبیق با نوسان در منابع حیاتی و مالی داشته باشد و علاوه بر پیش‌بینی منابع جایگزین آمادگی سازگاری به منابع جدید را به‌صورت الگوهای شناختی رفتاری در جامعه خود فراهم آورند

اکوسیستم حیاتی جوامع

انسان‌ها در یک چرخه حیاتی زندگی می‌کنند هر ارگانیسم به انرژی و محیط وابسته و چرخه تغذیه ارتباط با محیط کسب انرژی و تبادل انرژی فرآیند مشخص و اساسی است مفهوم کل سیستم را چرخ حیاتی نشان می‌دهد که انسان با محیط پیرامون خود در تعامل و کنش متقابل و ارتباط مستقیم و دو سویه دارد هرگونه اختلال در این چرخه حیاتی موجب بی‌نظمی عدم توازن و تغییر در اکوسیستم شده و اثرات نامطلوب بر زیست انسانی و اجتماعی خواهد داشت اگرچه توان انعطاف‌پذیری آدمی آثار مهمی در پذیرش تغییرات اکوسیستم سیستم حیاتی انسان است اما استواری به مقام و سیستم حیاتی بشر به حفظ عناصر به روابط بنیادی چرخه حیات مرتبط است اگر چرخه حیات یک جامعه پیوسته دستخوش دگرگونی‌های عمیق شود امکان انعطاف‌پذیری افراد جامعه سلب شده و موجب آشفتگی‌های وسیع و فروپاشی می‌شود.

جوامعی که درک صحیح از چرخه حیات خود دارند پیش زمینه‌های لازم برای تداوم این چرخ را به عمل آورده و فرد را برای انعطاف‌پذیری در مقابل دگرگونی‌های احتمالی آماده کردن به نحوی که چرخه حیات جمعی آنها کمترین آسیب را از دگرگونی‌ها داشته باشد.

پیوندهای تاریخی

رویدادهای عمده با گذشت زمان به صورت مناسک، مراسم و برگزاری جشن‌ها و یادواره‌های قومی ملی و همگانی در حفظ یک قوم یا در خاطره یک ملت باقی می‌ماند و در درازمدت موجب شناسایی گروهی از مردم هویت یکی جمع می‌شود و باعث تمایز از دیگری می‌گردد این رویدادها و حوادث روزگار موجب پیوندهای اجتماعی می‌شود و پیروزی‌ها و موفقیت‌های آن منزلتی همیشگی به آن اجتماع می‌بخشد شکلی از باورها و ارزش‌ها در آن رشد می‌یابد و باید در قالب تقدس یافته انتقال می‌یابد به تدریج پیوندهای تاریخی هویت منسجمی از آرمان‌ها باورها و ارزش‌ها و کیستی و چیستی یک ملت را حل می‌کند و شناخته سطح جامعه در گرو شناخت تاریخی آن قرار می‌گیرد شناخت خوب گذشته سرمشق و موزه فعالیت‌های آینده جامعه و موجب استقرار و پویایی باورها و ارزش‌های هویت مردم می‌شود این هویت جمعی معرفت مشترک از خود و مای یک جامعه از لایه‌های فکری و بینش و جهان‌بینی و باورها و ارزش‌ها برخوردار است از آنجا که هویت جمعی همواره در معرض بازتعریف و بازتولید مجدد از هویت و پیوند تاریخی یک اجتماع و یانگر استمرار و تداوم تاریخی آن است و در مسیر حرکت آینده امکان تغییر و تعریف مجدد آن وجود دارد.

نتیجه گیری:

رفتار در حیوانات بر اساس غریزه صورت می گیرد اما بخش بزرگی از رفتار بشر از طریق اکتساب و آموزش به دست می آید و یادگیری برای بقا در اکثر جانوران وجود دارد اما هیچ جانوری به اندازه انسان توان یادگیری گسترده را ندارد انسانها در جامعه رفتارها آموزش و فرهنگ نظام فکری و رفتار جامعه را در طول یک دوره زمانی طولانی به افراد آموزش می دهد.

بخشی از رفتارهای اکتسابی انسانها متأثر از شرایط زیستی و فیزیولوژیکی آنهاست نیاز به آب و غذا و مسکن به گونه فطری می شود و امکان بقا در شرایط و محیطهای گوناگون را فراهم می آورد اما انسان به اثرات تجربهها را سامان بخشید و به صورتی روی شناختی و رفتاری به دیگر افراد را به نسل بعد منتقل می سازد تا به عنوان یک الگوی ماندگار ی و بقاء مورد اکتساب قرار می گیرد برای مثال قرار گرفتن انسان در موقعیت گرسنگی و نیاز به غذا به عنوان یک وضعیت فیزیولوژیکی به صورت غریزی به گونه ای که انسان را وادار به تامین غذا می کند و با توجه به شرایط محیط طبیعی شیوه تامین غذا به صورت یک تجربه زیسته رفتاری تبدیل شده و دیگر اعضای جامعه را نسبت به صورت اکتسابی آموزش داده می شود.

اگر انسان در یک موقعیت خطرناک نیز قرار گیرد برای مثال تهدیدی حیوان درنده و تهدید سیل و طوفان در آنجا نیز شیوه نجات به صورت داده ها یا اطلاعات حیاتی تبدیل به یک الگوی شناختی و رفتاری شده به عنوان یک الگوی ماندگاری و به دیگران انتقال داده می شود.

فهرست منابع و مآخذ

- کتاب دفاع غیر عامل ازدیدگاه انسان‌شناسی فرهنگی، دکتر محسن فردو
- زمینه فرهنگ، تیلورپ
- تهدیدات فرهنگی و راهبردهای مقابله در کلام ولی امر مسلمین حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای
- انسان‌شناسی فرهنگی، دانیل بیتس، فرد پلاگ، مترجم محسن ثلاثی، انتشارات علمی
- جامعه‌شناسی نظم، دکتر مسعود چلبی، نشر نی
- اصول و مبانی پدافند غیر عامل، جعفر موحدی نیا، انتشارات دانشگاه صنعتی مالک اشتر
- جامعه‌شناسی شهری، مایک ساوج، الن وارد، ترجمه دکتر ابوالقاسم پور رضا، انتشارات سمت
- بیانات مقام معظم رهبری در روزنامه کیهان ۶۱/۱/۳۰

